



قبل از این گوش من درباره تو شنیده بود، ولی الان چشمانم تو را می‌بیند. (ایوب 42 : 5)

ایمان از شنیدن است (رومان 10: 17) و ایوب درباره خداوند شنیده بود. او با تقدیم کردن قربانی برای فرزندانش و داشتن زندگی خدایسندانه، ایمانش را به اجرا درمی‌آورد (ایوب 1 : 5 و 8). دانش او درباره خداوند، از او شخصی خداترس ساخت؛ شخصی که احکام خدا را انجام می‌داد و او را به طریقی که تا آن زمان از مردم خواسته بود، پرستش می‌نمود. بدلیل این نمود عملی ایمان ایوب، خداوند از او خشنود بود. خداوند درباره او گفت «هیچ کس مانند ایوب در زمین نیست» (ایوب 1 : 18). خداوند از او خشنود بود، در واقع خداوند ایوب را انتخاب کرد تا او را به درک عمیقتری نسبت به خودش برساند. خداوند درک ایوب را از طریق درد و رنج رشد داد.

ایوب هر چیزی که یک انسان در روی زمین می‌تواند داشته باشد را داشت؛ یک خانواده بزرگ با هفت پسر و سه دختر و دامهای فراوان (ایوب 1 : 2-3). علاوه بر اینکه همه اینها توسط خداوند از او گرفته شد، زخمهای بسیار بدی هم به او داده شد، به شکلی که دوستانش او را نشناختند (ایوب 2 : 12). رنجهای ایوب او را به یک میدان جنگ هدایت کرد. دوستانش اصرار داشتند که او در مقابل خداوند گناه کرده و به همین دلیل در حال رنج دیدن است ولی در مقابل، ایوب بر این پافشاری می‌کرد که هیچ خطایی مرتکب نشده است که بتواند خداوند را وادار به اعمال این حجم از رنج و جفا بر او کند. ایوب درباره عدالت، قدرت مطلق، حکمت، معجزات و عجایب خداوند می‌دانست ولی نه به صورت تجربی بلکه به صوت نظری. او این صفات خداوند را با نگاه به زندگی و طبیعت دریافته بود (به فصل 9 نگاه کنید). ایوب در کشمکش بود و از خداوند می‌پرسید که چرا این آزمایشات را برای او بوجود آورده است (3 : 11-12 و 20 و 10: 18). او می‌خواست بداند چه گناهی مرتکب شده که باعث بوجود آمدن اینچنین مشکلاتی برایش شده است (13: 19 و 23)، او می‌خواست با خداوند صحبت کند (13: 3 و 23: 3-4 و 31: 35). ایوب بسیار جسور بود؛ او واقعا نمی‌دانست که چه چیزی را طلب می‌کرد. خداوند با رحمت و فیضش پاسخ ایوب را می‌دهد (فصول 38-41). پاسخ خداوند به ایوب این بود که «چقدر ایوب کوچک است و چه مقدار زیادی از خلقت را متوجه نمی‌شود». در این میان، خداوند خودش را به شکل عمیق تری به ایوب نشان داد. در نهایت ایوب اعتراف و توبه کرد که «خداوند را درک نکرده است» (42: 5-2). خداوند از مشقتهایی که برای ایوب پیش آمد، استفاده کرد تا او را برای رسیدن به درک عمیق تری از خودش مهیا کند.

امروز هم هیچ تفاوتی وجود ندارد. اگر بخواهیم خداوند را بهتر بشناسیم و او را واقعا ببینیم، جفاها را تجربه خواهیم کرد. شما ممکن است ایمان آورده باشید ولی خداوند نمی‌خواهد شما به کوچکی زمانیکه دعوتتان کرد بمانید، بلکه او می‌خواهد در دانشتان نسبت به او رشد کنید. پطرس می‌گوید «تمام تلاش خود را به کار گیرید تا به ایمانتان نیکویی را اضافه کنید، و برای نیکویی، علم» (دوم پطرس 1: 5). ایوب آن تمرینات خوب را به ایمانش اضافه کرد. خداوند هم به ایوب کمک کرد تا دانشش نسبت به او افزوده شود. امروز از خداوند درخواست کنید که برای رشد کردن، کمکتان کند.



دعا؛ خداوندا! تو را دوست دارم و می‌دانم که تو نیکویی و همیشه در فکر چیزهای نیکو برای من هستی. بهترین و دوست داشتنی ترین چیز در زندگی این است که تو را بیشتر بشناسم. آرامش و رضایت من در شناخت توست. من باید اقرار کنم که نمی‌خواهم جفا و سختی ببینم. اگر امکان رشد کردن در ایمان و شناخت تو بدون جفا و سختی ممکن است، لطفا این کار را انجام بده! ولی اگر امکانش نیست، من تسلیم تو هستم. من می‌دانم که تو نیکو هستی و حتی اگر رنج و جفایی وجود داشته باشد، بهترینها را برای من می‌خواهی. لطفا مرا در خودت پناه بده، مرا در میان دستان قرار بده تا بتوانم از هر درّه موتی که مرا احاطه کند، عبور کنم و زمانیکه سختی و مشقت به پایان رسید، مشتاقانه در انتظار سفره و کاسه ای هستم که با نیکویی تو لبریز شده است. (نگاه کنید به مزمور 23)